رکب زدن شاه دزدان به دزد حرفه‌ای

آرمین بینا

سه مرد سارق که از سوی یک دزد حرفه‌ای برای سرقت میلیاردی استخدام شده بودند با سرقت طلاها ناپدید شدند.

یکی از روزهای پایانی تیر ماه امسال مردی در تهران وحشت‌زده با اداره پلیس تماس گرفت و از سه سارق مسلح نقابدار به اتهام گروگانگیری و سرقت اموالش شکایت کرد.

وقتی مأموران به محل حادثه رفتند شاکی در توضیح ماجرا گفت: «من، همسرم و سه فرزند و مادرم در خانه‌مان تلویزیون تماشا می‌کردیم که متوجه شدم کلیدی داخل قفل در ورودی آپارتمانمان چرخید و ناگهان در آپارتمانمان باز شد و سه مرد نقابدار که مسلح به کلت کمری و چاقو بودند، وارد خانه شدند. ما همه از ترس شوکه شده‌بودیم، طوری که حتی توان حرف زدن نداشتیم. مادرم همان لحظه اول با دیدن آنها سکته کرد و از هوش رفت و زن و فرزندانم نیز دست و پایشان به لرزه درآمده‌بود. سه مرد ناشناس تهدید کردند که اگر حرفی بزنیم یا حرکتی کنیم، جانمان را می‌گیرند. آنها با تهدید کلید گاوصندوق را از من گرفتند و دست و پای ما را با طناب و پارچه بستند و در اتاقی یک ساعت گروگان گرفتند. هر چه خواهش کردم که اجازه دهند با اورژانس تماس بگیرم و برای درمان مادرم درخواست کمک کنم، فایده‌ای نداشت تا اینکه یک ساعت بعد متوجه شدم از خانه‌ام بیرون رفتند. پس از این به سختی طناب دست و پایم را باز کردم و بعد به سراغ خانواده و مادرم رفتم و طناب آنها را هم باز کردم و موضوع را به پلیس اطلاع دادم و از اورژانس هم کمک خواستم.»

وی ادامه داد:«سارقان علاوه بر اینکه باعث سکته مادرم شدند ۲ میلیارد تومان طلا و جواهرات داخل گاوصندوقم را سرقت کردند. البته مادرم با تلاش کادر درمان از مرگ نجات پیدا کرد.»

رد پای خدمتکار

با طرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ برای شناسایی سارقان در اختیار تیمی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد از آنجایی که سارقان با کلید وارد خانه شده و محل نگهداری طلاها را هم می‌دانسته‌اند یا افراد آشنایی بوده‌اند یا فرد آشنایی در سرقت به آنها کمک کرده‌است.

از سوی دیگر، مأموران دریافتند زن جوانی به نام شهین از مدتی قبل به خانه شاکی به عنوان خدمتکار رفت و آمد داشته‌است، اما دو روز قبل از حادثه ناگهان غیبش می‌زند و به تلفن شاکی هم جواب نمی‌دهد.

بدین ترتیب مأموران شهین را به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار دادند و موفق شدند چند روز قبل او را در مخفیگاهش دستگیر کنند.

اعتراف

متهم ابتدا در بازجویی‌ها منکر جرم خود شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به همدستی با صاحبکارش در سرقت از خانه شاکی اعتراف کرد.

وی گفت: «چند سالی است شوهرم فوت کرده و تمامی هزینه‌های زندگی و فرزندم به عهده من است، به همین دلیل پس از فوت شوهرم در مغازه فروش تنباکو و قلیان شروع به کار کردم. صاحبکارم مرد جوانی بود و حق و حقوق مرا هم می‌داد، اما درآمدم کم بود، به همین خاطر تصمیم گرفتم در کنار کارم به خانه‌های افراد پولدار بروم و کارهای نظافتی و خدماتی انجام دهم. مدتی قبل شاکی در فضای مجازی درخواست استخدام خدمتکار داده‌بود و من هم با او تماس گرفتم و در خانه‌اش شروع به کار کردم. در مدتی که در خانه کار می‌کردم، متوجه شدم شاکی در کار خرید و فروش وام فعالیت دارد و از طرفی هم صاحب مغازه تنباکو فروشی دنبال وام بود که او را برای گرفتن وام به شاکی معرفی کردم.»

وی ادامه داد:«مدتی بعد صاحبکارم گفت شاکی از او کلاهبرداری کرده‌است و از من خواست کلید خانه او را در اختیارش قرار دهم تا از خانه‌اش سرقت کند. ابتدا مخالفت کردم، اما او من و فرزندم را تهدید کرد و من هم قبول کردم. صاحبخانه به من اطمینان داشت و کلید خانه‌اش را به من داده‌بود و من هم از روی آن یدک ساختم و در اختیار صاحب مغازه قرار دادم و از طرفی هم محل نگهداری طلاها را به او گفتم و پس از آن دیگر خبری از او ندارم.»

از سارقان رکب خوردم

با اعتراف متهم مأموران پلیس صاحبکار وی را به نام شهباز شناسایی و بازداشت کردند. وی در بازجویی اعتراف کرد که سارق حرفه‌ای را برای سرقت اجیر کرده‌بود، اما از آنها رکب خورده‌است.

متهم گفت:«مدتی بود که نیاز به وام ضروری داشتم تا اینکه شهین شاکی را به من معرفی کرد و گفت در کار خرید و فروش وام فعالیت دارد. وقتی به او معرفی شدم قرار شد برای من وام ۱۲۰ میلیون تومانی از بانک بگیرد و من هم مبلغی به او دادم، اما شاکی از من کلاهبرداری کرد و وام را خودش بالا کشید. پس از این، از او کینه به دل گرفتم و دنبال انتقام بودم که تصمیم گرفتم از خانه‌اش سرقت کنم و از شهین خواستم کلید خانه شاکی را در اختیار من قرار دهد. در ادامه به سراغ سارق حرفه‌ای رفتم و قرار شد او به خانه شاکی دستبرد بزند و پس از سرقت ۱۲۰ میلیون تومان به من بدهد و بقیه را هم بین خودش و همدستانش تقسیم کند، اما او پس از سرقت به من رکب زد و پولی به من نداد.»

بازداشت سارق حرفه‌ای

مأموران پلیس در ادامه سارق حرفه‌ای را به نام بهمن شناسایی و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌های اولیه جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد، به سرقت از خانه مرد پولدار با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد و مدعی شد او هم از همدستانش رکب خورده‌است.

وی در ادعایی گفت:«وقتی شهباز به سراغم آمد و خواست از خانه مرد پولدار سرقت کنم، با سه نفر از دوستانم که حرفه‌ای هستند، مشورت کردم و نقشه سرقت را طراحی کردیم. شب حادثه با کلید یدکی که شهباز در اختیار ما گذاشته بود به در خانه شاکی رفتیم. من داخل کوچه نگهبانی می‌دادم و سه همدستم هم وارد خانه شدند و پس از یک ساعت بیرون آمدند. آنها مبلغ کمی به من دادند و قرار شد چند روز دیگر سهم من و شهباز را بدهند، اما ناگهان ناپدید شدند و از آن روز به بعد از آنها خبری ندارم. من به آنها اعتماد کردم و آنها را برای سرقت میلیاردی اجیر کردم و خبر نداشتم که به من هم رکب می‌زنند.» در حالی که تحقیقات برای بازداشت سارقان فراری ادامه دارد، سه متهم به دستور بازپرس برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

پرونده شهردار و پیمانکار در نوبت رسیدگی قرار گرفت

غلامرضا مسکنی

هیئت سه‌نفره کارشناسان دادگستری در آخرین نظریه خود درباره مرگ غم‌انگیز دختر چهار ساله در سقوط به چاهی در فضای سبز شهری، سهم تقصیر شهرداری منطقه ۱۵ را ۵۰ درصد، شهرداری ناحیه ۵ را ۴۰ درصد و پیمانکار فضای سبز را ۱۰ درصد اعلام کردند. متهمان به زودی به جرم تسبیب در قتل شبه‌عمد در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند.

عصر روز یکشنبه نوزدهم تیرماه قاضی میثم حسین‌پور، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۵۷ مسعودیه از مرگ مشکوک دختر خردسالی در بیمارستان بعثت با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی روی تخت بیمارستان با جسد بی‌جان دختر چهار ساله‌ای به نام معصومه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت پس از سقوط در چاه ۴۶ متری به کام مرگ رفته‌است. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد ساعتی قبل معصومه همراه پدر و مادرش برای تفریح به محوطه چمن‌کاری شده رمپ میدان افسریه رفته‌بود که ناگهان داخل چاه مخفی در میان چمن‌ها سقوط و فوت کرده‌است.

شکایت از شهرداری

پدر معصومه گفت:«همراه همسر و فرزندم برای تفریح به فضای سبز کنار میدان افسریه رفتم. دخترم در حال بازی بود و از من خواست با گوشی تلفن همراهم از او عکس یادگاری بگیرم. دخترم در میان چمن‌ها ژست گرفته‌بود و خوشحال و خندان منتظر عکاسی من بود. اولین عکس را که گرفتم، چند قدمی عقب‌تر رفت که ناگهان غیبش زد. ابتدا تصور کردم جایی پنهان شده‌است، اما وقتی جلوتر رفتم، خبری از او نبود و انگار زمین دهان باز کرده و دخترم را بلعیده‌بود تا اینکه با حرفه‌ای عمیق و تاریک داخل چمن‌ها روبه‌رو شدم و فهمیدم دخترم داخل آن حفره تنگ و تاریک سقوط کرده‌است. پس از این درخواست کمک کردم و عوامل آتش‌نشانی از راه رسیدند و در نهایت پس از حدود نیم ساعت تلاش پیکر نیمه جان دخترم را از داخل چاه بیرون آوردند و به بیمارستان منتقل کردند که فوت کرد.»

در حالی که شاکی از شهردار منطقه ۱۵ و شهردار ناحیه ۵ و پیمانکار فضای سبز به اتهام مرگ دختر خردسالش شکایت کرده‌بود، بازپرس جنایی پرونده را برای بررسی در اختیار کارشناسان فنی قرار داد. بررسی‌های اولیه کارشناسان نشان داد با اینکه شهردار منطقه هفته قبل از این محل بازدید داشته‌است، اما متوجه این حلقه چاه نشده‌است. همچنین مشخص شد چمن‌های اطراف چاه بلندتر از محل‌های دیگر فضای سبز است و به همین خاطر دهانه چاه که بدون حفاظ از قبل رها شده‌بود در میان چمن‌ها مشخص نبوده‌است.

بازداشت شهرداران و پیمانکار

بدین ترتیب با مشخص شدن تقصیر شهرداری در این حادثه قاضی پرونده دستور بازداشت شهردار منطقه ۱۵ و شهردار ناحیه ۵ و پیمانکار را صادر کرد. شهرداران در بازجویی‌ها اعلام کردند محل حادثه قنات قدیمی بوده که سال قبل حفر شده و آنها از آن بی‌خبر بودند و گرنه برای آن حفاظ در نظر می‌گرفتند. آنها مدعی شدند در این حادثه تقصیری نداشته و الان که متوجه شده‌اند برای رفع آن اقدام می‌کنند.

پیمانکار هم در بازجویی‌ها مدعی شد که در این حادثه تقصیر نداشته‌است، چون وظیفه او پر کردن چاه‌های حفر شده نیست. وی گفت: «من مسئول فضای سبز هستم و کار من آبیاری و احیا و بازسازی فضای سبز است و در حفر یا تعمیرات چاه یا حفره‌های موجود نقشی ندارم.»

همزمان با ادامه تحقیقات، پرونده برای مشخص شدن درصد تقصیر در اختیار تیم سه نفره‌ای از کارشناسان دادگستری قرار گرفت. در حالی که متهمان با گذاشتن وثیقه آزاد شده‌بودند، هیئت کارشناسی در نخستین بررسی‌ها اعلام کرد که در این حادثه شهردار منطقه ۴۰ درصد و شهردار ناحیه ۵ و پیمانکار هر کدام ۳۰ درصد مقصر هستند.

آخرین نظریه کارشناسی

پس از اعلام نظریه کارشناسان متهمان به درصد تقصیرشان اعتراض کردند که در نهایت یک روز قبل هیئت سه نفره کارشناسان دادگستری سهم تقصیر شهرداری منطقه را ۵۰ درصد و شهرداری ناحیه ۵ را ۴۰ درصد و پیمانکار فضای سبز را ۱۰ درصد اعلام کرد.

با اعلام نظریه کارشناسی و آخرین دفاع متهمان، پرونده پس از صدور کیفرخواست برای متهمان به اتهام تسبیب در قتل شبه‌عمد دختر خردسال برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

نفس‌های مرد شیطان‌صفت به شماره افتاد

حکم اعدام راننده مسافربر که به اتهام تعرض به زن جوان در بازداشت به سر می‌برد از سوی قضات دیوان عالی کشور تأیید شد.

به گزارش جوان، سال گذشته دختر جوانی به نام مهتاب به اداره پلیس رفت و از راننده خودروی پراید شکایت کرد. او گفت: «سال‌هاست در یک شرکت خصوصی مشغول کار هستم. صبح‌ها به محل کار می‌روم و عصرها به خانه برمی‌گردم. امروز صبح طبق معمول منتظر تاکسی بودم که یک پراید سفیدرنگ توقف کرد. خیلی دیرم شده بودم به همین خاطر منتظر تاکسی نماندم و سوار شدم. راننده بعد از طی مسافتی به یک‌باره مسیرش را تغییر داد. به او اعتراض کردم که ناگهان یک سیلی به صورتم زد و خواست ساکت شوم.»

شاکی در حالی که اشک می‌ریخت، افزود: «تازه فهمیدم چه بلایی سرم آمده است. مضطرب و دستپاچه شدم. صدای تپش قلبم آنقدر زیاد بود که خودم صدای آن را می‌شنیدم. شروع کردم به التماس و خواهش تا شاید راننده دلش به رحم بیاید و مرا رها کند، اما او توجهی نکرد و بدون توجه به التماس‌هایم مرا به حاشیه خلوتی برد و...»

شاکی در آخر گفت: «همانطور پریشان‌حال گریه می‌کردم که راننده من را تهدید کرد اگر در این باره به کسی حرفی بزنم مرا می‌کشد. او می‌گفت از من فیلم سیاه تهیه کرده تا اگر به کسی حرفی بزنم آبرویم را ببرد. هنگام دور شدن خودرو چند شماره از پلاک ماشینش را به خاطر سپردم.»

با طرح این شکایت تلاش برای شناسایی مرد جوان آغاز شد و با توجه به اطلاعاتی که دختر جوان در اختیار مأموران قرار داده بود، بالاخره عرفان ۳۰ ساله شناسایی و بازداشت شد. مرد جوان با انکار جرمش سعی داشت پلیس را گمراه کند. او می‌گفت دختر جوان را ندیده و نمی‌شناسد، اما در مواجهه حضوری دختر جوان، متهم را شناسایی کرد. به این ترتیب پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادگاه کیفری اسلامشهر فرستاده شد و متهم بعد از جلسه تحقیق در شعبه ۱۹ دادگاه محاکمه و به اعدام محکوم شد.

این حکم با اعتراض متهم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و رأی صادره در دیوان عالی کشور نقض و برای رسیدگی مجدد به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

به این ترتیب متهم برای دومین بار در شعبه دهم دادگاه حاضر شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه از سوی قاضی رضایی، شاکی در جایگاه ایستاد و با طرح شکایتش در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «این مرد زندگی‌ام را تباه کرده است. با گذشت یک‌سال از این ماجرا هنوز شب‌ها کابوس می‌بینم. بعد از این حادثه دیگر جرئت ندارم تنها بیرون بروم و از رفتن به سر کار هم منصرف شده‌ام. این خانه‌نشینی مرا افسرده کرده است. برای متهم درخواست اعدام دارم.»

در ادامه متهم بار دیگر جرمش را انکار کرد و در آخرین دفاعش گفت که بی‌گناه است و به اشتباه دستگیر شده است. در پایان هیئت قضایی با توجه به شواهد و قرائن موجود در پرونده و نظر پزشکی قانونی، متهم را به اعدام محکوم کرد.

این رأی بار دیگر به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما این‌بار از سوی قضات یکی از شعبات آن مورد تأیید قرار گرفت.

یادداشت

حسین فصیحی

حوادث کثیر عبرت‌های قلیل!

یکی از دلایلی که منجر به شدت گرفتن جرائم و سوانح می‌شود، بی‌توجهی به پیوست‌هایی است که منجر به بروز این رویدادها می‌شود. عمده این بی‌توجهی‌ها هم از سوی سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که در حوزه تصمیم‌گیری دخالت دارند. به عنوان مثال یکی از عوامل مهم از دست رفتن جمعیت کشور وقوع سوانح رانندگی است. در حالی که کشور به شدت به حفظ و افزایش جمعیت نیاز دارد، بخش قابل توجهی از جمعیت به‌خصوص نسل جوان به دلیل بروز سوانح از دست می‌رود. خودروهای مونتاژ داخل متهم اصلی بروز این ضایعه ناگوار است و درباره مصائبی که از جانب آن متوجه بدنه عمومی جامعه می‌شود مباحث بسیاری مطرح بوده و هست. پرسش‌های اساسی مطرح شده این است که چرا روز به روز از کیفیت این خودروها کم می‌شود؟ چرا این خودروهای بی‌کیفیت با قیمت کلان و با منت به متقاضی فروخته می‌شود؟ این پرسش‌ها سال‌های زیادی است که در بدنه عمومی جامعه مطرح است، اما هیچ پاسخی به آن داده نمی‌شود و هیچ مرجعی هم توان مقابله با قدرت مافیای خودروساز را ندارد. از همین‌روست که هر لحظه به آمار قربانیان سوانح جاده‌ای اضافه می‌شود.

متهم ردیف دوم در پرونده سوانح رانندگی، وضعیت نابسامان جاده‌هاست. نداشتن روشنایی معابر شهری و برون‌شهری، یکی بودن مسیر رفت و برگشت، عدم رفع خطر از نقاط حادثه‌خیز و وضعیت نابسامان آسفالت خیابان‌ها و جاده‌ها سال‌های زیادی است که فریاد زده می‌شود، اما به آن رسیدگی نمی‌شود. اگر سازمان‌هایی که در امر تصمیم‌گیری دخیل هستند و به آمار رسمی هم دسترسی دارند موارد مطرح شده در این باره را بررسی کنند به خوبی متوجه خواهند شد بخش مهمی از جمعیت آماری کشور به دلیل بی‌توجهی به این موارد از دست می‌رود و تا زمانی هم که پیوست‌های این اتفاق‌ها مورد توجه قرار نگیرد، نمی‌توان شاهد کاهش بروز سوانح در این باره بود.

دوم خردادماه امسال وقتی در حادثه ریزش آوار متروپل آبادان دهها نفر کشته و زخمی شدند، مشخص شد حادثه به دلیل تخلف‌های گسترده شهرداری و نظام مهندسی شکل گرفته است. تخلف‌هایی که سال‌های زیادی است گریبان نظام اداری را گرفته و تسهیل امور غیرممکن را با نفوذ در سازمان‌های اداری ممکن کرده است. بنابراین تا زمانی که ساز و کار قانونی نتواند مانع بروز این دست از تخلف‌ها شود، بروز فجایعی از این دست ممکن خواهد بود.

صبح روز چهارشنبه، ۲۸ اردیبهشت حادثه تیراندازی در سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفان ایلام چهار کشته و هفت زخمی برجای گذاشت. عامل حادثه نگهبان اخراجی این سازمان بود که به دلیل از دست رفتن شغلش تصمیم خطرناکی گرفته بود. او صبح روز حادثه برای انتقام از مدیر سازمان وارد ساختمان شد و حادثه‌ای خونین را رقم زد و سرانجام با شلیک گلوله به زندگی خودش نیز پایان داد و اینگونه به خود و دیگران آسیب رساند. این اتفاق و بیشتر از اینها رویدادهایی هستند که هرچه زمان می‌گذرد با شدت بیشتری در حال رخ دادن هستند. عمده‌ترین دلیلی هم که برای شدت گرفتن آن وجود دارد عدم توجه به پیوست‌هایی است که امکان بروز این اتفاق‌های ناگوار را ممکن می‌کند و برای برون‌رفت از آن هم مسیری جز توجه به این پیوست‌ها وجود ندارد.

مرگ راننده پراید در تصادف خودرو با چراغ برق

راننده سواری پراید در تصادف خودرو با چراغ برق در بزرگراه امام رضا جان باخت.

به گزارش جوان، ساعت ۶:۴۵ بامداد روز گذشته آتش‌نشانان ایستگاه ۶۳ از حادثه رانندگی در بزرگراه امام رضا به سمت تهران، نرسیده به دور برگردان توتک باخبر و در محل حاضر شدند. سعید عباسی، فرمانده آتش‌نشانان گفت: بررسی‌ها نشان داد یک دستگاه خودروی سواری پراید به علت نامعلومی از مسیر اصلی منحرف شده و پس از برخورد با جدول حاشیه بزرگراه به شدت با چراغ برق برخورد کرده و متوقف شده است. وی افزود: به دنبال این حادثه، راننده خودرو که مردی ۲۳ ساله بود در همان لحظه برخورد به تشخیص عوامل اورژانس جان خود را از دست داده و داخل خودرو حبس شده بود. عباسی ادامه داد: آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی، جسد را از کابین له شده خارج کردند و در اختیار امدادگران اورژانس قرار دادند. علت حادثه از سوی پلیس در حال بررسی است.

مفقودی

سند اصلی کارخانه و کارت سبز سواری لوگان سیستم رنو مدل ۱۳۸۹، L۹۰ به شماره موتور K۴MA۶۹۰W۰۴۵۶۵۸ و شماره شاسی NAPLSRALD۹۱۰۸۴۹۶۴ و شماره پلاک ۲۱۸ص۲۶ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

گلستان

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

شرکت تعاونی انبوه‌سازی مسکن سرپناه‌ساز رضوان

شرکت تعاونی انبوه‌سازی مسکن سرپناه‌ساز رضوان به شماره ثبت ۳۸۸۰۸۳ از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می‌نماید تا در مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول) روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۹ ساعت ۱۶ به آدرس: اتوبان ارتش - شهرک شهید محلاتی - انتهای خیابان نور - تالار پذیرایی و همایش بعثت حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:

- تطبیق و تصویب اساسنامه منطبق با ضوابط جدید وزارت تعاون.
- تصمیم‌گیری در خصوص کاهش تعداد اعضای هیئت مدیره از ۷ نفر به ۵ نفر در دوره آتی.

چنانچه حضور عضو در مجمع میسر نباشد می‌تواند به همراه وکیل خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ با مدارک عضویت و شناسایی جهت تکمیل فرم وکالت به دفتر تعاونی مراجعه نماید تا پس از احراز هویت نسبت به صدور ورقه ورود به مجمع اقدام گردد. هیئت مدیره

مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی کشنده فوتون شرکت ایران‌خودرو مدل ۱۴۰۱ به نام جواد عابدی با کد ملی ۲۲۸۲۵۲۱۶۱۷ با پلاک ایران ۸۹۷/۸۳ع۱۸ و شماره موتور IsGe۴۴۳۰۷۷۴۹۵۶۶۵ و شماره شاسی Nab۳۷۴۵۲۷Na۰۰۳۲۸۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

شیراز

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (همراه با ارزیابی کیفی)

نوبت دوم

شرکت ملی حفاری ایران

شرکت ملی نفت ایران

موضوع مناقصه: خرید قطعات و لوازم مربوط به دستگاه‌های حفاری به شرح ذیل

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه‌گزار	شماره تقاضا/ مناقصه	شرح تقاضا	مبلغ برآورد (ریال/ارز)
شرکت ملی حفاری ایران	۰۰۳۲۲۸۲	قطعات کمپرسور	۱۳،۸۷۹،۲۰۲،۶۸۶
شرکت ملی حفاری ایران	۰۰۳۲۲۶۹	قطعات کاترپیلار	۲۴،۸۷۷،۰۰۰،۰۰۰

روش ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:

روش ارزیابی	* بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام‌های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می‌شود، انجام می‌گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)

نحوه دریافت/ تحویل اسناد مناقصه:

دریافت اسناد توسط شرکت	تاریخ شروع دریافت	توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت
	محل دریافت	از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir -گروه مناقصات تلفن تماس: ۳۴۱۴۸۷۹۵-۰۶۱
تحویل اسناد به شرکت	آخرین مهلت	۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت اسناد
	محل تحویل	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانتنامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان پایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷- دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس: ۳۴۱۴۸۵۶۹ - ۳۴۱۴۸۵۸۰-۰۶۱

تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار):

مبلغ تضمین	۶۹۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال تقاضای خرید شماره ۰۰۳۲۲۸۲
مبلغ تضمین	۱/۲۴۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال تقاضای خرید شماره ۰۰۳۲۲۶۹
انواع تضامین قابل قبول	ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه‌های صادره از سوی مؤسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا: IR ۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) -و سایر تضمین‌های معتبر در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می‌باشد.
مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین	۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

تذکر: با توجه به بخشنامه شماره ۹۸/۱۳۸۶۶۵ مورخ ۹۸/۰۴/۰۳ معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت مبنی بر بکارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ثبت نام کلیه متقاضیان حضور در مناقصات، مزایدات شرکت ملی حفاری ایران در پایگاه www.setadiran.ir الزامی می‌باشد.

شناسه آگهی: ۱۳۸۱۰۳۳

کانال‌های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران www.nidc.ir http://sapp.ir/nidc pr